

بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر بهبود مشکلات رفتاری دانش آموزان با اختلال یادگیری

نگین کاظم خانلو^۱، مریم داساری^۲، مهناز رحمانی^۳

^۱ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان قزوین (نویسنده مسئول)

^۲ کاردانی ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد سیرجان

^۳ کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد تاکستان

چکیده

اختلالات یادگیری، اصطلاحی مادر برای طیف گسترده ای از مشکلات یادگیری است که وجود این اختلال در دانش آموزان منجر به افت تحصیلی، کاهش اعتماد به نفس و بروز مشکلات رفتاری در آنها می شود. برخورداری از مهارت های اجتماعی و ارتباطات ثمر بخش برای داشتن عملکردی موفق در زندگی ضروری است. مهارت اجتماعی، مجموعه رفتارهای آموخته شده ای است که دانش آموزان را قادر می سازد تا با دیگران رابطه اثربخش داشته و از واکنش های نامعقول اجتماعی خودداری کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر بهبود مشکلات رفتاری دانش آموزان با اختلال یادگیری و به روش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که آموزش مهارت های اجتماعی به دانش آموزان با اختلال یادگیری، در سلامت رفتاری و اجتماعی آنها نقش بسزایی را ایفا می نماید و به آنان کمک می کند تا با سایر انسانهای جامعه، فرهنگ و محیط خود مثبت و سازگارانه عمل کنند.

واژه های کلیدی: دانش آموزان، اختلال یادگیری، مشکلات رفتاری، مهارت های اجتماعی

مقدمه

اختلال یادگیری، عدم توانایی در یک یا چند فرآیند روانشناختی است که به شکل هایی چون عدم توانایی در شنیدن، حرف زدن، خواندن، نوشتن، دیکته و محاسبات ریاضی بروز می کند؛ اما مشکلاتی که ناشی از معلولیت های دیداری، شنیداری، حرکتی، محیط نامناسب اقتصادی و فرهنگی و عقب ماندگی ذهنی در یادگیری بوجود می آید، شامل این اختلال نمی باشند.

بسیاری از آموزگاران در کلاسهای درس با دانش آموزانی رو به رو هستند که با وجود برخورداری از هوش طبیعی و آموزش مناسب، در یادگیری مطالب درسی و پیشرفت تحصیلی قابل انتظار، با مشکلات اساسی روبه رو هستند. این مشکلات در بسیاری از موارد به راحتی قابل تشخیص هستند؛ اما برطرف شدنشان با دشواری همراه است و در گذر زمان، با افزایش سن از یک زمینه تحصیلی گسترش بیشتری پیدا می کند و به مشکلی جدی تر تبدیل می شود. این دسته از دانش آموزان گروهی را تشکیل می دهند که به آموزش ویژه و خدمات تخصصی نیاز دارند و در طبقه اختلال یادگیری قرار می گیرند.

ناتوانیهای یادگیری بر اساس آمارهای اختلالات روانشناسانه، در دسته اختلالهای عصبی - تحولی قرار می گیرد. بروز این ناتوانی به شکل اختلال در یادگیری و نارسایی در کسب مهارت های تحصیلی متناسب با سن در سال های ابتدایی تحصیل آشکار می گردد. از آنجا که دانش آموزان با اختلالات یادگیری دچار اختلالات رفتاری و هیجانی نیز هستند که این امر منجر به طرد بیشتر این دانش آموزان از سوی دیگران، عدم توانایی در دوستیابی و سطح اجتماعی پایین در آنها می شود. دانش آموزانی که اختلال یادگیری شدید دارند، نسبت به دانش آموزان عادی افسردگی، خشم، پرخاشگری و مشکلات رفتاری بیشتری از خود نشان می دهند. [۱]

این اختلال نخستین بار در سنین آموزش رسمی ظاهر می شود و با مشکلات مداوم در یادگیری مهارت های تحصیلی پایه نظیر: خواندن، نوشتن و ریاضیات بروز می کند. این مشکلات می تواند در عملکرد فرد در مهارت های تحصیلی اختلال ایجاد کرده و عملکرد را به طور چشمگیری پایین تر از حد متوسط مورد انتظار برای سن او بیاورد تا مبنی عملکرد قابل قبول برای فرد، صرفاً با تلاش فوق العاده زیاد به دست می آید. میزان شیوع اختلال یادگیری ویژه به اندازه ای است که با احتمال بالایی می توان یک یا چند دانش آموز با این اختلال را در هر کلاس درسی پیدا کرد. تشخیص به موقع اختلال یادگیری در دانش آموزان، درمان این اختلال را برای خانواده کودک تسهیل می کند، همچنانکه عدم تشخیص به موقع، بر زندگی و آینده دانش آموزان تاثیر منفی می گذارد.

وجود افراد سالم چه از نظر روانی و چه از نظر اجتماعی لازمه هر جامعه ای برای رشد و پیشرفت در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. با توجه به اینکه دانش آموزان مالکان بی قید و شرط جامعه آتی هستند، لذا سلامتی و بیماری آنها در سلامتی جامعه و نسل های آینده تاثیر قابل توجهی دارد. از این رو توجه به سلامت روانی و جسمانی این قشر ضروری می باشد. [۲]

در چند دهه اخیر، نقش مهارت اجتماعی در زندگی مورد توجه روانشناسان و محققان قرار گرفته است. پیچیدگی جامعه مدرن امروزی، مشکلات روزافزون و تغییر شیوه های زندگی باعث شده است نیاز به مهارت اجتماعی بیشتر شود، حتی در جوامع مادی نیز واقعیت ها حاکی از آن است که مردم به مهارت اجتماعی گرایش پیدا کرده اند. متخصصان هم بر این نکته اذعان دارند که شیوه های درمانی برای بهبود سلامت جسم و روان به تنهایی جوابگو نیست بلکه باورهای مهارت اجتماعی و گرایش به مهارت اجتماعی به نحو چشم گیری بر سلامت افراد تاثیر می گذارد. در حقیقت، ارزش ها، سازمان دهنده های اصلی اعمال

و رفتارهای شخصیت رشد یافته به شمار می روند و سلامت روان، بی تردید، محصول چنین شخصیتی است. [۳] کارشناسان علوم رفتاری و روانشناسی بر این عقیده اند که سبک زندگی بر سلامت روان و جسم افراد تاثیر زیادی می گذارد و حال در این میان هرچه فرد نسبت به انجام آموزه های مهارت اجتماعی متعهد تر باشد آرامش بیشتری پیدا می کند. مهارت های اجتماعی موثر از گروه های اجتماعی و فرهنگی است که دانش آموزان با آن مرتبط می باشند و میزان برخورداری از این مهارت ها بیانگر سلامت رفتاری و اجتماعی آنان می باشد.

نقش مهم مدارس در شکل گیری هنجارها، باورها، فرصت های اجتماعی و ارزش ها همواره مورد توجه بوده است. اولین ارتباطات و تعاملات کودکان در نظام آموزشی در سن ۵ تا ۶ سالگی برقرار می شود و تا ۱۸ سالگی این رابطه ادامه می یابد. بنابراین دانش آموزان در حدود ۱۳ سال از عمر خود را در مدرسه و در سیستم آموزشی و به دور از خانواده خود می گذرانند؛ و لذا می توان گفت دانش آموزان اولین گام های اجتماعی شدن خود را در مدارس و مؤسسات آموزشی بر میدارند. وظیفه بوجود آوردن ارزشها و هنجارها در جامعه علاوه بر آموزش مطالب درسی برعهده مدارس می باشد. امروزه انتظاری که از مدارس می رود این است که دانش آموزان را در یک محیط یادگیری سالم آموزش دهد تا در آینده افرادی مولد و موفق در جامعه باشند. [۴]

پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می پردازیم: صبحی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر بهبود بهزیستی اجتماعی دانش آموزان زورگو پرداخته اند. یافته ای پژوهش نشان داد از آنجا که آموزش مهارت های اجتماعی می تواند به افزایش رفتارهای سازگار و ایجاد همدلی تأثیر مهمی داشته باشد، این درمان می تواند منجر به بهبود بهزیستی اجتماعی در این دانش آموزان شود.

حبیبی و همکاران (۱۳۹۷) در نتایج تحقیق خود با عنوان «اثربخشی آموزش مهارتهای اجتماعی و هیجانی بر بهبود روابط بین فردی دانش آموزان» نشان دادند که آموزش مهارتهای اجتماعی و هیجانی، بر روابط بین فردی دانش آموزان تأثیر دارد و باعث کاهش مشکلات بین فردی در دانش آموزان می گردد.

تحقیق عزیزاده فرد (۱۳۹۷) به بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر نظریه ذهن و رفتارهای اجتماعی کودکان دارای اختلال یادگیری غیرکلامی پرداخته و نتایج یافته ها نشان دهنده افزایش معنادار نمرات نظریه ذهن و رفتارهای جامعه پسند، کاهش معنادار نمرات نشانه های هیجانی و مشکلات با همسالان، کودکان گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل است. نمرات بیش فعالی و اختلال سلوک تغییر معناداری نداشته است. این یافته ها اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر نظریه ذهن و رفتارهای اجتماعی کودکان دارای ناتوانی یادگیری غیرکلامی را بر نظریه ذهن و برخی از رفتارهای اجتماعی را مورد تایید قرار می دهد.

نتایج پژوهش مطلق و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر مشکلات رفتاری در دانش آموزان با اختلالات یادگیری نشان داد مهارت های اجتماعی در تغییر مشکلات رفتاری در دانش آموزان پنجم با اختلالات یادگیری موثر است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر بهبود مشکلات رفتاری دانش آموزان با اختلال یادگیری به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد. در این پژوهش ابتدا به بیان مفهوم اختلال یادگیری و علائم و نشانه های آن پرداخته و پس از آن طبقه بندی اختلالات یادگیری در دانش آموزان و عوامل مؤثر بر اختلالات یادگیری در دانش آموزان را بررسی کرده ایم. در ادامه بحث به بیان مفهوم مهارت های اجتماعی، اجزا تشکیل دهنده آن و برشمردن مهارت های اجتماعی پایه پرداخته و پس از بررسی عوامل مؤثر بر اجتماعی شدن دانش آموزان، برخی از مهارت های اجتماعی لازم برای زندگی و پیامدهای ناشی از عدم رشد مهارت های اجتماعی دانش آموزان را مورد بررسی قرار داده ایم.

یافته های تحقیق

اختلالات یادگیری در تعریف روان شناسان بدین شرح است: «کودکان مبتلا به اختلالات یادگیری کسانی هستند که در یک یا چند فرآیند اساسی در رابطه با خواندن، سخن گفتن، درک کردن و نوشتن دارای اشکال هستند به شرطی که این مشکلات ناشی از عقب ماندگی های ذهنی، نقص بینایی، نقص حرکتی و یا نقائص فرهنگی نباشد.» اختلالات یادگیری که به ناتوانی های یادگیری نیز شناخته می شوند، دسته ای از نارسایی ها هستند که برعکس نارسایی های جسمی، عمدتاً تا پیش از زمان تحصیل رسمی دانش آموزان در مدارس شناخته نمی شوند. در دوران تحصیل این دانش آموزان در مدارس این ناتوانی ها اغلب اوقات به عنوان اختلال خاص یادگیری شناخته نمی شوند و عدم آشنایی و آگاهی معلمان باعث می شود این اختلال با مشکل عقب ماندگی ذهنی اشتباه گرفته می شود و موجب می شود استرس و فشار روانی زیادی بر دانش آموزان وارد شود. در این راستا بروز اختلاف میان والدین و معلمان، درمان این اختلال را با مشکل مواجه می شود. [۵]

در سالهای پیش از ورود دانش آموزان به مدرسه، تشخیص اختلال یادگیری کار دشواری است و در اغلب موارد آغاز این اختلال پیش از دوران ابتدایی و تا کلاس دوم مشخص می شود. معمولاً آغاز این مشکل قبل از کلاس اول دبستان نشانه تاخیر رشد در زبان، یادگیری مفاهیم جدید و تاخیر در عملکرد و رفتار نسبت به همسالان می باشد. اولین نشانه های این اختلال در آغاز دبستان نمره های پایین و یادگیری ضعیف می باشد. یکی از راه های درمان این اختلال شناخت نوع آن و ریشه یابی بخصوص در دوران ابتدایی و در دروس اصلی می باشد.

مشخصه های اولیه ناتوانی در یادگیری

کودکانی که ناتوانی در یادگیری دارند از مشخصات زیر برخوردارند: [۵]

مشکل در صحبت کردن، خواندن، نوشتن، محاسبه، مشکل در تمرکز حواس و توجه به مطالب، گیج شدن در مورد زمان و فضا، رفتار تحریک پذیرانه، مشکل در یادآوری، هماهنگی فیزیکی ضعیف، مشکل در سازماندهی برای انجام یک منظور و مشکل در دوست شدن با افراد و دوست ماندن با آنها.

طبقه بندی اختلالات یادگیری در دانش آموزان

نارسایی های یادگیری به دسته های گفتاری، شنوایی، خواندن و نوشتن دسته بندی می شوند که به شرح زیر است: [۵]

۱. اختلالات گفتاری و شنوایی

لازمه سخن گفتن در ابتدا شنیدن است، از این رو ناتوانی در گفتار و شنیدار همواره همراه یکدیگرند. مرکز اصلی دستگاه شنوایی گوش داخلی است و کانال جمع آوری و انتقال امواج صوتی به گوش داخلی گوش خارجی و میانی می باشند. بنابراین در نارسایی شنوایی دو نوع کری به نام های انتقالی و عصبی وجود دارد که دلایل پیدایش و درمان هر کدام متفاوت است. از این رو ضروریست والدین و معلمان و مربیان از مقدار شنوایی دانش آموزان آگاه بوده و افراد با ضعف شنوایی را بشناسند.

لکنت زبان از اختلالات گفتاری رایج میان کودکان است که بر اثر ضایعات دستگاه تکلم و یا استرس های روانی به وجود آید. نشانه هایی چون تکرار و توقف یا کشیده گفتن تشنج آمیز و غیرارادی صداها و هجاها و حروف یا کلمات به عنوان لکنت زبان شناخته می شود که به صورت مکث های طولانی و یا تکرار کلمات ظاهر می شود و موجب نگرانی و تشویش فرد است. تلفظ برخی حروف و کلمات از جمله حروفی که با بستن لب ها تلفظ می شوند مثل «ب، پ، م» و حروفی که با حرکت زبان ادا می شوند مثل «ت، ث، س، ط» برای آنان مشکل تر است.

۲ تا ۵ سالگی سن آغاز لکنت زبان است و با یک سری نشانه های به هم مرتبط از قبیل انزوا، احساس حقارت، افت تحصیلی، هیجان زدگی و شتابزدگی در پاسخ دادن به سوالات و عدم اعتماد به نفس همراه است. لکنت زبان ناشی از عوامل متعددی از جمله علل عضوی، کنش و غلبه نکردن طرفی مغز است. در راستای درمان لکنت زبان، افزون بر گفتار درمانی و مشاوره، والدین و معلمان میبایست در شناسایی علل ایجاد کننده همکاری و مشارکت داشته باشند.

۲. اختلالات خواندن

ناتوانی های مربوط به خواندن از جمله مهمترین مسائلی است که کودکان مبتلا به ناتوانی های یادگیری با آن مواجهند. مشکلات در خواندن به اشکال مختلف خود را نشان می دهند. دیسلکسی اصطلاحی است که به دانش آموزان دارای مشکل خواندن می گویند. دیسلکسی یک کلمه یونانی است و به معنای «نارسایی در خواندن» و یا به عبارت دیگر نارساخوانی است. نارساخوانی از اختلالات اختصاصی یادگیری به شمار می آید و در میان برخی دانش آموزان مدارس وجود دارد. عدم توانایی در تشخیص کلمات کتاب در فرد مبتلا به اختلال در خواندن از نتایج وجود مشکل در یادگیری خواندن در دانش آموزان است. رواج این اختلال در میان پسران بیشتر از دختران است. عدم توانایی در ساخت کلمه جدید از حروف، عدم تشخیص کلمات در جمله، عدم تمایل به خواندن و عدم تشخیص فاصله و زمان و جهت از مشکلاتی است که فرد مبتلا به نارساخوانی با آن مواجه است. این کودکان بدلیل ضعف در خواندن و نوشتن، دچار افت تحصیلی شده و در نتیجه شکست های مکرر، دچار عدم اعتماد به نفس شده و گرفتار انواع مشکلات عاطفی و رفتاری می شوند.

۳. اختلالات نوشتن

مهمترین مشکلات کودکان در نوشتن عبارت است از نارسا نویسی و چپ دستی.

۳-۱. نارسانویسی:

بدنویسی از جمله نشانه های این اختلال است. کودکان با اختلال نارسا نویسی بدلیل کارکرد های نامناسب بینایی و عدم توانایی در انجام اعمال حرکتی ممکن است دچار این اختلال باشند و بسیاری از روان شناسان علت بروز این اختلال را تاثیر سیستم اعصاب نواحی مختلف بدن و رشد ناقص اعضای حرکتی می دانند. دلایل اصلی که می تواند در بروز اختلال نارسانویسی از نظر آسیب شناسی تاثیر گذار باشد عبارتند از: عدم توانایی در مهارت های حرکتی، عدم درک در بینایی حروف و کلمات و وجود مشکل در تبدیل ادراک از بینایی به صورت حرکتی (ناتوان از تبدیل حافظه بصری به عملکرد نوشتاری).

۳-۲. چپ دستی:

تمایل طبیعی فرد در نوشتن با دست چپ را چپ دستی می گویند. مشکل عمده دانش آموز چپ دست در زمانی است که لازم است از راست به چپ بنویسد که به علت نداشتن دید کافی در آنچه که می نویسد است که در نتیجه دست خط دانش آموز بد و ناخوانا بوده و حتی در ابتدا چیزی جز سیاه کردن کاغذ نیست، و به همین دلیل برای زیبا نوشتن در مواردی به ناچار دست خود را چرخانده و به صورت کمانه در می آورد. در صورتی که چپ دستی به صورت برتردستی در نیامده باشد می توان او را تشویق به استفاده از دست راست کرد. لکن در افراد برتر دست (چپ) نباید فشار زیادی در جهت ممانعت از این امر به او وارد کرد.

۴. اختلال یادگیری مهارت های حرکتی

اختلال حرکتی به مشکلات حرکت و هماهنگی اعم از مهارت های حرکتی ظریف (بریدن، نوشتن) یا مهارت های حرکتی درشت (دویدن، پریدن) اشاره دارد. از اختلال حرکتی گاهی اوقات با عنوان فعالیت "خروجی" نیز یاد می شود به این معنی که مربوط به خروجی اطلاعات از مغز است. برای دویدن، پریدن، نوشتن یا بریدن چیزی، مغز باید بتواند با اندام های لازم ارتباط برقرار کند تا عمل به صورت کامل انجام شود.

علائمی که نشان می دهد کودک دارای اختلال هماهنگی حرکتی است شامل مشکل در توانایی های جسمی است که به هماهنگی چشم و دست نیاز دارند مانند نگه داشتن مداد یا بستن دکمه پیراهن.

۵. اختلالات یادگیری زبان

اختلالات یادگیری زبان و ارتباطات شامل توانایی درک یا تولید زبان گفتار است. زبان نیز یک فعالیت خروجی محسوب می شود زیرا برای توضیح کلامی در مورد یک چیز یا برقراری ارتباط با شخص دیگر به ساماندهی افکار در مغز و فراخوانی کلمات مناسب احتیاج دارد. نشانه های یک اختلال یادگیری زبان شامل مشکل در مهارت های زبان کلامی مانند توانایی بازگویی داستان و روان بودن گفتار و همچنین توانایی درک معنای کلمات، قسمت هایی از گفتار، مسیر ها و ... می باشد.

۶. اختلالات پردازش شنوایی و بینایی

چشم ها و گوش ها وسیله اصلی انتقال اطلاعات به مغز هستند، فرایندی که گاهی اوقات "ورودی" نامیده می شود. اگر چشم یا گوش به درستی کار نکنند، یادگیری می تواند دچار مشکل شود.

۶-۱. اختلال پردازش شنوایی :

افراد متخصص ممکن است از توانایی درست شنیدن با عبارت های "مهارت پردازش شنوایی" یا "زبان دریافتی" نام ببرند. توانایی صحیح شنیدن، به طور چشمگیری توانایی خواندن، نوشتن و هجی کردن را تحت تأثیر قرار می دهد. عدم توانایی در تشخیص تفاوت های ظریف صدا یا شنیدن اصوات با سرعت اشتباه باعث می شود ادای کلمات و درک مفاهیم اساسی خواندن و نوشتن، دچار مشکل شود.

۶-۲. اختلال پردازش بینایی :

مشکلات ادراک بینایی شامل تشخیص ندادن تفاوت های ظریف در اشکال، برعکس کردن کلمات یا اعداد، جا انداختن کلمات، جا انداختن خطوط، درک نادرست عمق یا فاصله، یا داشتن مشکل در هماهنگی چشم و دست می باشد. افراد متخصص ممکن است از عملکرد چشم ها با عنوان "پردازش بینایی" یا "پردازش بصری" یاد کنند. ادراک بینایی می تواند مهارت های حرکتی ظریف و درشت، درک مطلب و ریاضی را تحت تأثیر قرار دهد.

عوامل مؤثر بر اختلالات یادگیری در دانش آموزان

مطابق با نظریات گوناگونی که در پی بررسی علل بوجود آمدن نارسایی های ویژه یادگیری مطرح شده اند، به سختی می توان یک عامل واحد را به عنوان ایجاد کننده این نارسایی بیان کرد، بلکه این نارسایی پدیده پیچیده ای است که در اثر تعامل عوامل متعددی بوجود می آید. برخی از این عوامل به عنوان عامل اصلی و برخی دیگر به عنوان تسهیل کننده شرایط می باشند. از این رو در هر کودکی می بایست همه موارد ارزیابی شوند تا مشخص شود کدام یک از کودکان در این دسته قرار می گیرند. عوامل مؤثر در ایجاد این نارسایی ویژه در یادگیری (چه به صورت مستقیم و چه به عنوان عامل تسهیل گر) را می توان به شکل زیر طبقه بندی کرد: [۶]

۱. عوامل محیطی

تأثیر محیط های مختلف اطراف کودک بر چگونگی و میزان تمایل و انگیزه است که این محیط ها را می توان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

۱-۱. محیط خانه

تجرباتی که کودک در طی ۵ یا ۶ سال اول زندگی خود بدست می آورد، بر رشد شناختی و هوش او تأثیر عمیقی دارد و در این میان زبان ارتباط نزدیکی با این تجربیات کودک و والدین او دارد. والدین علاوه بر اینکه شرایط مناسب را برای رشد کودک فراهم می آورند، بلکه به عنوان الگوی مؤثر در یادگیری کودکان نیز محسوب می شوند. از این رو پایه و اساس کارایی کودک در زبان، ابتدا در خانه بنا گذاشته می شود.

به طور معمول در خانواده هایی که فرزندان زیادی دارند، کودکان دچار نارسایی های یادگیری هستند. در این خانواده ها والدین نظارت کمتری بر امور تحصیلی فرزندان و فعالیت های یادگیری آنها دارند. همچنین کودکان طلاق مشکلات بیشتری از

جمله ترک تحصیل یا نارسایی یادگیری از خود نشان می دهند .

۱-۲. محیط مدرسه

مشکلاتی از قبیل ارتباط اجتماعی و عدم توانایی در برقراری روابط گروهی مناسب با دیگران از پیامدهای نارسایی یادگیری در کودکان است که منجر به طرد از طرف گروه همسالان و معلمان می شود. علاوه بر این در مدرسه بیشتر از آنکه تشویق شوند ، مورد انتقاد قرار می گیرند که این خود بر یادگیری آنان تاثیرگذار است . گاهی مشکلات یادگیری ممکن است بر اثر آموزش نامناسب به دلایلی چون جمعیت زیاد دانش آموزان در کلاس درس و یا غدم آگاهی معلم از اصول یادگیری و در نظر نگرفتن تفاوت های فردی و ... باشد. لذا توجه به این نکته که محیط مدرسه تنها محیطی برای یادگیری و آموزش نیست بلکه در این محیط باید رفتارهای قابل قبول و ارزش ها نیز به کودکان آموزش داده شود .

در مدرسه هر کودکی می بایست رفتارهایی چون نحوه شرکت در کلاس ، پیگیری آموزش ، مداخله نکردن در کار ها ، نحوه بیان دانش و صحبت با دیگران را آموزش ببیند که کودکان با اختلال یادگیری فاقد توانایی در یادگیری آن مهارت ها هستند و در نتیجه به این دلیل از طرف دوستان و معلمان خود طرد می شوند .

۱-۳. محیط اجتماعی

رشد اجتماعی، شناختی و عاطفی کودک توسط ارتباط اجتماعی او با دوستان و دیگر گروه های اجتماعی تعیین می شود . در صورت موفقیت آمیز بودن این رابطه ، احساس خوشایندی و اعتماد به نفس بوجود آمده و در صورت عدم موفقیت ، احساس ناراحتی و افسردگی ایجاد خواهد شد . لذا ممکن است ایراد در عدم وجود مهارت های اجتماعی ، دلیل این عدم موفقیت در روابط اجتماعی باشد. معمولا کودکان با اختلال یادگیری بدلیل عدم آگاهی از تلقی دیگران از رفتار های خود ، لذا نمی توانند خود را با نقطه نظرات دیگران همساز کنند و احتمال ایجاد روابط مناسب با دیگران کاهش یافته و در نتیجه این تجربیات ناخوشایند اجتماعی بر یادگیری آنان تاثیر منفی خواهد گذاشت . بنابراین محققان معتقدند که این نارسایی یادگیری درسی می تواند منجر به بوجود آمدن نارسایی اجتماعی در کودکان نیز بشود .

۱-۴. محیط فرهنگی

مهاجرت ها و جابجایی های افراد امروزه باعث شده جمعیت اکثر شهرها متشکل از نژادها و فرهنگ های گوناگون باشد که منجر به بروز مشکل برای آموزش کودکان با تفاوت فرهنگی ، جغرافیایی ، زبانی و نگرش های گوناگون اجتماعی و اقتصادی شده است . به همین دلیل این تفاوتها در بین کودکان با اختلال یادگیری و همچنین اختلال بیش فعالی در مدارس نیز وارد شده است .

یکی از مشکلات عمده ای که با یادگیری مرتبط است ، فقر اقتصادی و فرهنگی است. پرورش رشد هوشی و شناختی کودکان در محیطی که والدین در برآورده ساختن نیازهای اولیه زندگی آنها ناتوانند ، امکانپذیر نمی باشد . در نتیجه این کودکان با محدودترین زمینه تجربی وارد مدرسه می شوند که برای موفقیت آنها کافی نیست . از سوی دیگر مشکل عمده دیگر موثر بر نارسای یادگیری، وجود تعارض بین ارزش های مدرسه و ارزش های فرهنگی و قومی گروه های مختلف است .

۲. عوامل عاطفی

نظریه های متفاوتی در خصوص ارتباط بین نارسای هایی یادگیری و مشکلات عاطفی وجود دارد. به نظر برخی محققان اختلالات یادگیری بدلیل مشکلات عاطفی بوجود می آیند و بنابراین با بکارگیری شیوه های روانشناختی میتوان اعتماد به نفس را در کودکان ایجاد کرد، علائق آنها را کشف کرد و خودپنداره آنها را بالا برد. اما تعداد دیگری از پژوهشگران اعتقاد دارند که مشکلات عاطفی بدلیل اختلالات یادگیری بوجود می آید و بنابراین می بایست با بکارگیری روش آموزش مستقیم در جهت درمان نارسایی یادگیری تلاش کرد تا مسائل عاطفی نیز به تدریج از بین برود.

۳. عوامل فیزیکی

برخی از عوامل فیزیکی به شکلی با اختلالات یادگیری مرتبط هستند و از این رو باید از موثر بودن آنها مطمئن شد. عوامل عمده ای که در این زمینه موثر هستند عبارتند از:

۳-۱. اختلالات شنوایی

برخی از کودکان بدلیل مشکلی که در سیستم شنوایی دارند، به خوبی اطلاعات و آموزش را دریافت نمی کنند و لذا منجر به اختلال در یادگیری آنان می شود. مشکلات شنوایی ممکن است در اثر عوامل گوناگونی بوجود آید از جمله:

- بیماری های دوره کودکی همچون سرخک، سرخچه، مننژیت و مانند آن.
- عوامل محیطی مانند در معرض صداهاى شدید و مکرر قرار گرفتن.
- عوامل ارثی مانند نقص در ساختمان گوش یا اشکال در شنوایی.
- عواملی همچون آلرژی، سرماخوردگی، و یا جمع شدن موم و چرک در گوش.
- عفونت گوش میانی

توجه به این نکته ضروریست که اختلالات جزئی در زمینه شنوایی می تواند منجر به اختلال در یادگیری کودک شود، زیرا ابتدا بر روی ارتباط کودک و معلم، گروه همسالان و دیگران تاثیر گذاشته و دوم برای یادگیری زبان، شنوایی مناسب لازم است و در صورت وجود اختلال در آن، یادگیری نیز دچار مشکل خواهد شد. محققان به این نتیجه دست یافته اند که وجود اشکال در گوش میانی نیز میتواند باعث نارسایی رشدی و تحصیلی در کودکان شود.

۳-۲. اختلالات بینایی

توانایی خوب دیدن، لازمه آموختن مهارت های یادگیری است و لذا وجود اختلال در این توانایی منجر به اختلال در یادگیری کودکان می شود. از این رو باید در نظر داشت که این اختلال به تنهایی نمی تواند به عنوان عامل اساسی در نظر گرفته شود. برخی مشکلات عمده در این زمینه عبارتند از: نزدیک بینی - دوربینی - آستیگماتیسم - ادراک رنگ - خطاهای شکست نور دوبینی

۳-۴. آسیب مغزی و نقص در عملکرد مغز

پزشکان عمدتاً آسیب مغزی ناشی از ضربه ها یا عفونت ها را به عنوان عامل موثر در ایجاد نارسایی یادگیری می شمارند. افراد مبتلا به آسیب مغزی علائم جسمی و شناختی متفاوتی از خود نشان می دهند از جمله: سردرد، سرگیجه، کاهش تمرکز، مشکل حافظه، زودرنجی، خستگی، اختلالات دیداری، حساسیت به صدا، مشکل در قضاوت، افسردگی و اضطراب. هرچند بسیاری از این علائم در بلندمدت از بین می روند اما بعضی از آنها ممکن است تا همیشه باقی بمانند. با توجه به اینکه کنترل یادگیری توسط مغز انجام می شود، لذا هر نوع آسیبی که به بافت مغز وارد شود، بر جنبه معینی از یادگیری موثر خواهد بود.

مهارت های اجتماعی و نقش آن در بهبود مشکلات رفتاری

همانطور که در مبحث عوامل موثر بر اختلالات یادگیری در دانش آموزان بیان شد، عدم وجود مهارت های اجتماعی میتواند به عنوان یک عامل تشدید کننده در بروز انواع مشکلات رفتاری و ارتباطی آنها باشد. فرآیند اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان با توجه به شرایط جوامع امروزی و بروز ناهنجاری های رفتاری مختلف در بین آنها اهمیت بسیاری یافته است. عامل موثر بر یادگیری مهارت های ارتباطی موثر، نحوه تربیت سالهای آغازین رشد کودک و محتوای آموخته ها و دیدگاه های فکری و اجتماعی است و تاثیر قابل توجهی نیز بر زندگی فرد در مراحل بعدی دارد. [۷]

از جمله مداخلاتی که می تواند امکان ارتباط مؤثر با دیگران را فراهم می کند و از واکنش نامناسب اجتماعی جلوگیری می کند، مهارت اجتماعی است. مهارت اجتماعی، رفتارهای آموخته شده ای است که فرد را قادر می سازد تا با دیگران رابطه اثربخش داشته و مانع از بروز واکنش های نامعقول اجتماعی می گردد. همکاری، مشارکت با دیگران، کمک کردن، آغازگر رابطه بودن، تعریف و تمجید از دیگران و قدردانی کردن، مثال هایی از این نوع رفتار هستند. مهارت های اجتماعی باعث ایجاد ویژگی های اساسی شخصیتی مانند اعتماد، احترام، مسئولیت پذیری، انصاف، مراقبت و شهروندی در دانش آموزان می شود. این مهارت ها منجر به ایجاد امکان شروع روابط متقابل و مثبت با دیگران و تداوم آن رابطه با دیگران می شود.

با توجه به نقش بسیار مهمی که مهارت های اجتماعی در سلامت عاطفی و بهزیستی دانش آموزان دارند، لذا فقدان مهارت های اجتماعی و عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران، دوستی و حل و فصل اختلافات می تواند منجر به شکست و نگرانی بیشتر دانش آموزان شود.

جانسون پیامدهای سودمند آموزش مهارت های اجتماعی را به شرح زیر برمی شمرد:

- رشد فردی و هویتی
- موفقیت در موقعیت های شغلی
- بهبود کیفیت زندگی
- سلامت فیزیکی
- سلامت روانی
- توانایی روبرو شدن با استرس و موقعیت های خشم برانگیز

اجزا تشکیل دهنده مهارت های اجتماعی

۱. مهارت های ارتباطی

مهارت های کلامی، غیر کلامی، مهارت های اولیه در برقراری ارتباط، شروع مکالمه، مهارت های رهبری

۲. مهارت های جرأت ورزی

مهارت های مربوط به توانایی « نه » گفتن، بیان نیازهای خود، شناسایی حقوق خود و دیگران، انتقاد کردن، پذیرش محاسن خود، تعریف و قدردانی از دیگران

۳. مهارت های خود مدیریتی

پیروی از قواعد، پذیرش انتقاد، مشارکت در موقعیت های گوناگون، هویت یابی، مهارت های مطالعه مستقل، مهارت های مراقبت از خود

۴. مهارت های مربوط به پرورش حس همکاری، مسئولیت پذیری و نودوستی

مهارت های مربوط به همکاری در مدرسه، همکاری در منزل و همکاری در اجتماع

۵. مهارت های درک اجتماعی و شناسایی ارزش های جامعه

مهارت های مربوط به درک اجتماعی و مهارت های مربوط به شناسایی ارزش های جامعه

آموزش مهارت های اجتماعی

اجتماعی شدن به معنای یافتن جایگاه خود در جریان زندگی است. این مفهوم به معنای زندگی مسالمت آمیز با دیگران و سازگاری با آن ها نیست، بلکه به این معنا است که فرد یاد بگیرد در این دنیای آشفته و شگفت انگیز، زندگی موفق داشته باشد. یکی از دلایل اصلی این که بسیاری از افراد هنگام حضور در موقعیت های اجتماعی مختلف به برخوردهای پرخاشگرانه روی می آورند این است که آنان به شدت فاقد مهارت های اجتماعی اولیه هستند و به عبارت دیگر الفبای چگونه با دیگران بودن را نیاموخته اند.

بنابراین آموزش مهارت های اجتماعی به این افراد می تواند موجب کاهش پرخاشگری آنان شود. خوشبختانه شیوه های نظام مندی برای آموزش این افراد وجود دارد که چندان هم پیچیده نیستند. برای مثال هم بزرگسالان و هم کودکان به سرعت می توانند از طریق تماشای الگوهایی که رفتارهای موثر و غیر موثر را به نمایش می گذارند مهارت های اجتماعی خود را اصلاح کنند. [۸]

مهارت های اجتماعی پایه

۱. ارتباط چشمی

توانمندی در برقراری رابطه چشمی با دیگران در حرف زدن و یا گوش دادن به سخن آن ها

۲. بیانات چهره ای

خندیدن، ابراز علاقه.

۳. فاصله اجتماعی

آگاهی از فاصله مناسب قرارگیری نسبت به فرد مقابل و زمان مناسب برقراری تماس بدنی

۴. چگونگی صدا

حجم صدا، زیری و بمی صدا، میزان گفتار، وضوح، محتوا

۵. احوالپرسی با دیگران

شروع رابطه یا پاسخ گویی به احوالپرسی، دعوت کردن از یک دانش آموز دیگر برای پیوستن در بعضی فعالیت ها.

۶. گفت و گو کردن

آموختن مهارت های محاوره ای مناسب سن، بیان احساسات، ابراز علاقه، سوال کردن و پاسخ دادن به پرسش دیگران

۷. بازی و کار کردن با دیگران

رعایت کردن مقررات، مشارکت، قول دادن، کمک کردن، نوبت گرفتن، تعارف با دیگران، قدردانی، ابراز تأسف.

۸. جلب توجه و یا درخواست کمک

بکارگیری راهکارهای مناسب.

۹. حل کردن تعارضات درونی

کنترل خشم و مهار پرخاشگری، تحمل خشم دیگران، پذیرش انتقاد

۱۰. آراستگی و بهداشت [۹]

عوامل مؤثر در اجتماعی شدن دانش آموزان

۱. خانواده

خانواده بنیان زندگی اجتماعی شدن و اولین کانون تربیت فرزندان است. نهاد خانواده اساسی ترین و اولین محیط اجتماعی شدن است. کودک از بدو تولد در دامن خانواده نشو و نما می یابد و سپس در کنار دیگر نهادهای اجتماعی شدن ارتباط خویش را با آن حفظ می کند. گرچه تاثیر خانواده امروزه به سبب جابه جایی نقش ها کم شده است، اما هیچگاه این تأثیر از بین نرفته است.

۲. گروه همسالان

شکل گیری شخصیت، رفتارهای اجتماعی و ارزش ها از جمله زمینه های تأثیرپذیر از همسالان در دانش آموزان است. نوجوانان از طریق الگو برداری رفتارهای قابل تقلید و یا ارزیابی اعمال یکدیگر و بازخوردی که از یکدیگر می گیرند بر هم تأثیر می گذارند. همسالان جهان دوم نوجوانان را تشکیل می دهند. جهان والدین و جهان همسالان. این دو جهان می توانند در کنار یکدیگر در حالی که بخش مشترک کوچکی نیز دارند، وجود داشته باشند.

گروه همسالان مهارت های اجتماعی مهمی را به فرد می آموزند که بزرگسالان به هیچ وجه نمی توانند آن ها را به وی بیاموزند. در میان گذاشتن مشکلات، تضادها و احساسات پیچیده اطمینان بخش است. در دوره نوجوانی که دوره فاصله گرفتن از خانواده است، گروه دوستان اهمیت خاصی می یابد. در این دوره نوجوان از جهات مختلف از همسالان خود اثر می پذیرد. در این دوره روابط نوجوانان با دوستان خود گرمتر از روابط او با اعضای خانواده است و بسیاری از اطلاعات جنسی و غیر جنسی را بدست می آورد. نوجوان دوستانی را انتخاب می کند که از نظر علایق، ارزش ها و باورها و نگرش ها همانند او باشند. زیرا چنین فردی حمایت بیشتری از او خواهند کرد و از نظر رفتار و سرگرمی های اوقات فراغت و نگرش نسبت به مدرسه و پیشرفت تحصیلی با وی همانندی دارند.

۳. نقش « خود » در اجتماعی شدن

« خود » هسته اصلی نظریه شخصیت را تشکیل می دهد و انسان به وسیله گرایش به شکوفا شدن و بهبود بخشیدن خود برانگیخته می شود. « خود » عبارت از مجموعه ویژگی هایی فردی است که تفاوت فرد از دیگران و یا شباهت او به دیگران را بیان می کند. « خود » به معنی جامعیت اندیشه ها و احساساتی است که فرد در ارجاع به خودش به عنوان یک شناخت عینی دارد. از دیدگاه بعضی از اندیشمندان، اجتماعی شدن فقط حاصل تاثیرات عوامل بیرونی نیست، بلکه نیروهای « خود » نیز در شکل گیری منش و شخصیت فرد نقش دارند.

۴. نقش مدرسه در اجتماعی شدن

مدرسه نهادهای اجتماعی و نمایانگر فرهنگی است که به نوجوان جهان بینی و عادات و رسوم و مهارت ها و دانش خاص را منتقل می کند. مدرسه نظام اجتماعی کوچکی است که نوجوان در آن قواعد اخلاقی، عرف اجتماعی، نگرش ها و شیوه های برقراری ارتباط با دیگران را می آموزد. مدرسه غالباً شبکه ای از گروه همسالان برای کودکان و نوجوانان مهیا می کند. [۹]

برخی از مهارت های اجتماعی لازم برای زندگی

۱. مهارت تفکر انتقادی

تفکر انتقادی به نقد درست مطالب از راه تحلیل قضایا و پیدا کردن روابط علی و معلولی و نکات مثبت و منفی مربوط می گویند. برخورداری از مهارت تفکر انتقادی می تواند فرد را در زمینه قضاوت و تحلیل نقاط ضعف و قوت هر موضوعی کمک کند.

۲. مهارت تصمیم گیری

این مهارت به مهارت تفکر انتقادی وابسته است که خود به مهارت فردی در تحلیل قضایا وابسته است. شناخت صحیح از نقاط ضعف و قوت ناشی از برخورداری از تحلیل های درست بوده و این شناخت درست منجر به تصمیم گیری درست خواهد شد.

۳. مهارت حل مسأله

مسأله ها را از راه های گوناگون می توان حل کرد اما یافتن راه حلهای خلاق برای حل مسائل اجتماعی، موجبات پیشرفتهای اجتماعی را فراهم می کند. کاوش در مورد راه های نوین و خلاق برای حل مسائل منجر به شادی و رضایت فرد شده و باعث ایجاد انگیزه برای یادگیری های بعدی می شود.

۴. مهارت برقراری ارتباط

بروز انواع مشکلات فردی و اجتماعی در صورت نادرست بودن روابط اجتماعی در زندگی می باشد. شناخت درست و صحیح در ابعاد زیر، لازمه داشتن تعامل درست و سازنده با دیگر افراد اجتماع است:

- الف) شناخت خود
- ب) شناخت دیگران
- ج) شناخت پدیده ها و واقعیتهای اجتماعی

همواره آفت هایی مثل: خشونت، خشم، حسد، رقابت ناسالم، زیاده خواهی، خودخواهی و خودپسندی، یکجانبه نگری، قدرت طلبی، یکه تازی، نادیده گرفتن افکار، ایده ها و نظریات مخاطب و نادرست استفاده کردن از ابزارهای ارتباطی به عنوان تهدیدی برای سلامتی ارتباط افراد می باشد. یک رابطه سالم به صبوری و بردباری، سعه صدر، گذشت، ایثار، رعایت حقوق دیگران، صمیمیت و مهربانی، مشارکت و تشریک مساعی نیاز دارد.

۵. مهارت رقابت مثبت و سازنده

رقابت به عنوان گزینه ای برای اثبات وجود در همه موجودات زنده وجود داشته و می تواند منجر به نتایج خوب و بد شود. از آنجا که نظام های آموزشی در جهت جذب بهترینها، تمایل به گزینش دارد. لذا رقابت به عنوان عاملی مهم در کسب موفقیت

در نظام های آموزشی مطرح است . رقابت دو صورت کلی دارد : رقابت بیرونی و رقابت دورنی . در رقابت بیرونی، افراد با یکدیگر مقایسه می شوند و به دلایلی خاص موضوع گزینش حتی بین خوب ها و برترها مطرح است و الزاماً باید نخبه هایی انتخاب شوند . در رقابت دورنی، فرد با خودش، با گذشته اش و با آنچه قبلاً بوده است، مقایسه می شود . یعنی توانمندیهای فعلی او نسبت به توانمندیهای گذشته اش ارزیابی می شود و در واقع فرد با خودش به رقابت می پردازد . در حالت اول یعنی رقابت بیرونی، مقایسه توانمندی های افراد مبنای امتیاز دهی می باشد . فرد در این حالت تلاش انفرادی بوده و در جهت پیشی گرفتن از دیگران می باشد . اما در حالت دوم امتیاز بندی بر مبنای توانمندی فردی و در مقایسه با معیارهای تعیین شده از قبل بوده و تلاش افراد در این حالت هم به صورت فردی و هم به صورت اجتماعی است . در این نوع رقابت هیچ گونه مغایرتی با کار جمعی و مشارکت دیده نمی شود . امروزه با توجه به شرایط و الزامات پرورش هر دو مهارت ضروریست . دانش آموزان می بایست هر دو نوع رقابت را به خوبی بشناسند ، محاسن و معایب هر کدام را بدانند تا بتوانند در مواقع لزوم از آن استفاده کنند . [۹]

پیامد های ناشی از عدم رشد مهارت اجتماعی

تعامل های اجتماعی کارا برای عملکرد موفق در خانه، مدرسه ، محل کار و اجتماع ضروری هستند . مهارت های اجتماعی در پذیرش دانش آموز توسط همسالان او بسیار مؤثر است . به طوری که کمبود مهارت های اجتماعی با تعدادی از بیماری های روانی نظیر افسردگی یا اضطراب و مشکلاتی چون پرخاشگری، سوء استفاده از مواد، مشکلات تحصیلی و حرفه ای می تواند همراه شود.

تعداد قابل ملاحظه ای از دانش آموزان به دلایل مختلف موفق به کسب مهارت های اجتماعی نمی شوند، اغلب مهارت های رشد نیافته اجتماعی دارند و معمولاً گوشه گیر و تنها هستند. تمام این رفتارها جز عوامل خطر زا در جهت افزایش میزان آزار دیدگی چه از طرف خانواده چه از سوی محیط و همسالان است. دانستن چگونه رفتار کردن در وضعیت های مختلف بخشی از مهارت های اجتماعی است. مطالعات نشان می دهند هرچه میزان مهارت اجتماعی مناسب دانش آموزان از قبیل داشتن ارتباط دیداری با دیگران، مؤدب بودن، اشتیاق به ارتباط با دیگران به طریقی مفید و مؤثر افزایش یابد ، از میزان مورد آزار قرار گرفتن آنها کم می شود. [۸]

عدم برخورداری از مهارت های اجتماعی در دانش آموزان منجر به عدم پذیرش آنان از سوی همسالان خود شده و باعث بوجود آمدن انواع نابهنجاری های رفتاری و عاطفی در آنها می شود . از این میان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- افت تحصیلی
- بزهکاری نوجوانان
- ناسازگاری در مدرسه
- سو مصرف مواد و اعتیاد

نتیجه گیری

ناتوانی دانش آموزان در امر یادگیری، از مسائل مهم و به روز آموزش و پرورش است و از این رو این دانش آموزان دچار عقب ماندگی نسبت به همسالان خود در این زمینه هستند. این موضوع درحالی است که بسیاری از افراد مبتلا به مشکلات یادگیری از نظر هوشی و نیز سایر توانایی های ذهنی در سطح مناسبی اند. شناسایی و تشخیص اختلالات یادگیری و اقدام در مورد درمان و رفع مشکل آنان با توجه به اینکه اختلالات یادگیری مانع از شکوفایی استعداد های دانش آموزان و منجر به سرخوردگی و تحقیر و مشکلات رفتاری عدیده ای در آنها می شود، امری است که باید مورد توجه دست اندرکاران تعلیم و تربیت قرار گیرد. با توجه به اینکه عدم وجود مهارت های اجتماعی می تواند به عنوان یک عامل تشدید کننده در بروز انواع مشکلات رفتاری و ارتباطی در دانش آموزان با اختلال یادگیری باشد، لذا آموزش مهارت های اجتماعی در مدارس برای این دانش آموزان، علاوه بر افزایش توانمندی های آنان در زمینه های فردی، اجتماعی، ارتقا سلامت عمومی و پیشگیری از بروز آسیب ها و معضلات اجتماعی، باعث بهبود ارتباط بین افراد، مسئولیت پذیری، مشارکت در فعالیتهای اجتماعی، تصمیم گیری عاقلانه و منطقی، حل مشکلات و تعارضات فردی و خانوادگی بدون اعمال زور و خشونت و صدمه زدن به دیگران خواهد شد. از این رو آموختن مهارت های اجتماعی امکان برقراری تعادل در زندگی اجتماعی افراد را فراهم ساخته و منجر به توسعه همه جانبه جامعه در سطوح اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خواهد شد زیرا در این صورت افراد سهم خود را سهم در جامعه و متعلق به اجتماع می دانند.

منابع

۱. کشاورز افشار، حسین؛ جواهری، عباس؛ قاضی نژاد، نیکو؛ شناسایی کیفیت دوستی در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۱ (۴۱)، ۱۳۹۹، ۱۱۶ - ۹۱
۲. محمدی گرگانی، آذر؛ درتاج، فریبرز، کیامنش، علیرضا؛ اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی - عاطفی بر روی اختلالات رفتاری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر، فصلنامه تعالی مشاوره و روان درمانی، دوره ۸، ۱۳۹۸، ۵۲ - ۳۶
۳. سیف، سوسن، کدیور، پروین، کرمی نوری، رضا، لطف آبادی، حسین؛ (۱۳۸۱)، روانشناسی رشد، قم: چاپ مهر
۴. رضایی شریف، علی؛ محمود قاضی طباطبائی، الهه حجازی، جواد اژه ای؛ بررسی دیدگاه دانش آموزان درباره پیوند با مدرسه: یک مطالعه کیفی مجله روانشناسی، سال شانزدهم، شماره یکم، ۱۳۹۰، ۳۵ - ۱۶
۵. محمدی، احمد؛ اختلالات یادگیری در دانش آموزان، ۱۳۹۱، <http://4948907960.blogfa.com/post/36>
۶. نوری زاد، داوود؛ مرادیان، آرش؛ اختلال های یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان، مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۱ (۱)، ۱۳۹۷
۷. نراقی، مریم؛ قبادیان، مسلم؛ نادری، عزت الله؛ شریعتمداری علی؛ (۱۳۹۰)، اجتماع پژوهشی راهی موثر در رشد اجتماعی کودکان، نشریه تفکر و کودک، ۲ (۲)، ۳۷-۵۸
۸. هاشملو، جعفر؛ مهارت های اجتماعی، ۱۴۰۰، <http://jafarhashemlou.blogfa.com/post/2449>

۹. آج، آرمان؛ کوهساریان، خدیجه؛ فرخ زاده، فرشته؛ ایشانی، فرزاد؛ بایلری، آق اوپلی، ادی زاده، محمد؛ ایری، مسعود؛ راهکارهایی برای افزایش مهارت های اجتماعی در دانش آموزان، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی، باتومی، گرجستان، ۱۳۹۵